



چرا ابوالفضل (ع) را باب الحوائج نامیدند؟/ بصیرت در سلوک عباس بن علی

یک کارشناس دینی گفت: هر فردی که با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) کاری داشت از طریق حضرت ابوالفضل العباس (ع) اقدام می‌کرد تا حاجت خود را بیان کند، به این دلیل به آن حضرت لقب باب الحوائج دادند.

یک کارشناس دینی گفت: هر فردی که با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) کاری داشت از طریق حضرت ابوالفضل العباس (ع) اقدام می‌کرد تا حاجت خود را بیان کند، به این دلیل به آن حضرت لقب باب الحوائج دادند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: حضرت ابوالفضل العباس (ع) علمدار دشت کربلا، روز چهارم شعبان المعظم سال ۲۶ هجری قمری در مدینه چشم به جهان گشود. آنکه آوازه رشادت و جوانمردی اش میان خاص و عام پیچیده بود و چنان در مقام اطاعت از امام زمان خود بر آمد که خداوند به پاس این اطاعت بصیرانه، جایگاه رفیعی به او در آخرت بخشید. باب الحوائج، حضرت عباس (ع) همان است که نه تنها ما شیعیان، که اهل سنت و اهل کتاب به او توسل می‌کنند و برای رفع مشکلات و گرفتاری‌ها آن حضرت را واسطه فیض الهی قرار می‌دهند.

بر آن شدیم در سالروز ولادت خجسته آن حضرت، با حجت الاسلام «شهاب الدین اعلائی نژاد» استاد مدرسه علمیه معصومیه به گفتگو بنشینیم که ما حاصل آن را در ادامه می‌خوانید؛

حجت الاسلام «شهاب الدین اعلائی نژاد» درباره دوران حیات حضرت ابوالفضل العباس (ع) پیش از واقعه کربلا به خبرنگار مهر گفت: در مورد زندگی حضرت ابوالفضل (ع) تا قبل از واقعه کربلا دو نکته را باید مورد توجه قرار دهیم؛ نخستین نکته در مورد کمبود منابع پژوهشی در مورد زندگی حضرت عباس (ع) تا قبل از حضور در کربلا است و معمولاً کتاب‌های مستقلی که در مورد حضرت نوشته شده مربوط به قرون ۱۴ و ۱۵ قمری است. من نیز در این مجال در طرح مطالب خود از چند اثر استفاده می‌کنم که شامل مجموعه سه جلدی «بطل العلقمی» نوشته «عبدالواحد مظفر»، «خصائص العباسیه» نوشته «محمدابراهیم کلباسی نجفی»، «حیة ابی الفضل العباس» نوشته «محمدعلی اردوبادی»، «قمر بنی هاشم علیه السلام» تألیف «سید عبدالرزاق موسوی مفرم» و «چهره درخشان قمر بنی هاشم» نوشته «علی ربانی خلخالی» می‌شود. اما نکته دوم که پیش از ورود به بحث اصلی مایلیم به آن اشاره داشته باشم، چکیده‌ای از تولد، شهادت، سن حضرت، نام، کنیه و اخلاق مشهوری که برای باب الحوائج ذکر شده است؛ حضرت عباس (ع) در چهارم شعبان سال ۲۶ هجری قمری در مدینه متولد شد و در عاشورای سال ۶۱ هجری در کربلا به شهادت رسید، لذا معمولاً سن آن حضرت در کربلا را با این تاریخ که اشاره شد محاسبه می‌کنند و تقریباً مشهورترین قول همین سن ۳۴ یا ۳۳ سال است. از این مدت حضرت ۱۴ سال همراه پدر بزرگوارشان حضرت امیر (ع) بود، ۹ سال با برادر خود امام حسن (ع) و ۱۱ سال نیز امام حسین (ع) را همراهی کردند. یعنی حضرت عباس (ع) با سه معصوم و حجت الهی همراهی و ملازمت داشتند و البته امام سجاد (ع) را نیز به عنوان عموی بزرگوارشان درک کردند.

حضرت عباس (ع) با سه معصوم و حجت الهی همراهی و ملازمت داشتند و البته امام سجاد (ع) را نیز به عنوان عموی بزرگوارشان درک کردند

وی در ادامه گفت: اکنون پس از طرح این دو نکته به اصل بحث و پاسخ به پرسشی که طرح شد می‌پردازم. پدر بزرگوار آن حضرت، امام علی (ع) و مادرشان «فاطمه» دختر «ابوالمجل حزام بن خالد» از قبیله «بنی کلاب» بود. نیاکان این قبیله همه از دلیرمردان عرب بوده و در شجاعت و رشادت شهره بودند. وجود مبارک حضرت امیر، ۱۰ سال بعد از شهادت حضرت زهرا (س)، با ام البنین ازدواج کرد و ام البنین سرپرستی فرزندان حضرت زهرا (س) را به عهده گرفت و آنان را از فرزندان خود بیشتر دوست داشت. نکته جالب در مرام ام البنین آن است که اجازه نمی‌داد او را فاطمه خطاب کنند چرا که فرزندان فاطمه (س) با شنیدن این نام به یاد مادرشان می‌افتند و دلتنگ و حزین مادرشان می‌شوند. بنابراین او را ام البنین به معنای مادر پسران نامیدند و به این نام شهرت یافت چراکه ثمره ازدواج او با حضرت امیر (ع) چهار پسر بود که فرزند ارشد حضرت عباس (ع) بود. هر چهار فرزند ام البنین روز عاشورا سال ۶۱ هجری خود را فدای امام حسین (ع) کردند.

حجت الاسلام اعلائی نژاد اظهار داشت: اما در مورد تولد حضرت ابوالفضل العباس (ع)، چنین روایت شده است که زمانی که حضرت متولد شد، ام البنین، قنடை را به دست حضرت امیر (ع) داد و آن امام همام فرزند تازه متولد شده خویش را در آغوش گرفته مورد تفقد قرار داد، در گوش راست اذان و در گوش چپ اقامه خواند؛ سپس به ام البنین فرمود:

این فرزند را چه نام نهادی؟ ام البنین پاسخ گفت: من در هیچ امری از شما پیشی نمی گیرم؛ سپس امام علی (ع) فرمود: این طفل را «عباس» هم نام عمومی نام می نهم.

وی افزود: اما خالی از لطف نیست در این مجال واژه شناسی نیز داشته باشیم، واژه «عباس» صیغه مبالغه از ماده «عبس» است به معنای گرفتگی چهره. شاید از این جهت این نام روی برخی افراد از جمله حضرت عباس (ع) گذاشته می شد که آنان از مصادیق بارز «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» بودند و حضرت عباس (ع) کسی بود که بر دشمنان حق و حقیقت، عبوس و خشن بود و در جنگ با آنان غیور و دلاور. این نام از همان دوران نشانگر صلابت حضرت عباس (ع) بوده است. کنیه حضرت ابوالفضل است، اما القاب متعددی برای ایشان ثبت شده که معمولاً منبع روایی و متخذ از زیارت نامه هایی است که در مورد حضرت بیان شده است. حضرت عباس را به دلیل سیمای جذاب و نورانی قمر بنی هاشم می نامیدند. لقب دیگر باب الحوائج است، به این دلیل که هر فردی اگر با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) کاری داشت از طریق حضرت ابوالفضل العباس (ع) اقدام می کرد تا حاجت اش را بیان کند، به این دلیل به حضرت لقب باب الحوائج را دادند، لقب دیگر که منبع روایی و زیارت نامه ای دارد لقب «عبدصالح» است که در زیارت نامه حضرت ابوالفضل (ع) بیان شده است. القاب دیگری مثل سقای کربلا، علمدار کربلا، عبد صابر، یا مواسی (به معنای فداکار) نیز برای حضرت بیان شده است.

هر فردی اگر با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) کاری داشت از طریق حضرت ابوالفضل العباس (ع) اقدام می کرد تا حاجت اش را بیان کند، به این دلیل به حضرت لقب باب الحوائج را دادند

استاد مدرسه علمیه معصومیه گفت: نسبت به زندگی حضرت عباس (ع) و اینکه قبل از جریان کربلا چه اطلاعاتی در مورد این بزرگ مرد داریم چند نکته قابل توجه است؛ نخست دوران کودکی حضرت است که در روزهای کودکی، حضرت امیر (ع) به سان آینه ای، همه معرفت، ایمان، دانایی و کمال را برای تربیت، رشد و تعالی به باب منتقل کرد. حضرت عباس (ع) علم و دانش را از ابتدا از پدر بزرگوارش گرفت. حضرت امیر (ع) درباره تکامل و پویایی فرزندشان فرمودند: «إِنَّ وَلَدِي الْعَبَّاسُ زَقَّ الْعِلْمَ زَقًّا» (همانا فرزندم عباس در کودکی دانش آموخت و بسان نوزاد کبوتر که از مادرش آب و غذا می گیرد، از من معارف فرا گرفت).

وی افزود: در واقع پرورش در آغوش امامت و دامن عصمت شالوده ای پاک و مبارک را برای ایام نوجوانی و جوانی حضرت ابوالفضل العباس (ع) ایجاد کرد تا در آینده نخل بلندقامت استقامت شود. گاهی که در کودکی حضرت امیر (ع) به فرزندش عباس می نگریست، با نگاه بصیرت آمیزی آینده حضرت عباس (ع) را بیان می فرمود و در نقل ها بیان شده که با لبخندی رضایت آمیز اشک بر دیدگان مبارک حضرت امیر (ع) جاری می شد و زمانی که ام البنین از علت گریه ایشان سوال می کرد می فرمود: مشاهده می کنم در آینده دستان عباس در راه یاری امام زمانش برادرش حسین قطع خواهد شد. بعد از مقام عظمت حضرت عباس (ع) خبر داد و فرمود: پروردگار متعال دو بال به او خواهد داد تا بسان عمویش جعفر بن ابی طالب در بهشت پرواز کند. بنابراین محبت پدری گاهی حضرت امیر (ع) را بر آن می داشت تا پاره تن خود را اینگونه ببوسد و ببوید و محبت کند. وجود مبارک حضرت ابوالفضل (ع) مدت ۱۴ سال و ۴۷ روز با حضرت امیر (ع) همراه بود؛ در جنگ و عبادت، در غربت و وطن در ایام دشوار خلافت هرگز از پدر جدا نشد.

وی درباره دلاوری های بیان شده از آن حضرت در طول تاریخ گفت: در سال ۳۷ هجری قمری جنگ «صفین» پیش آمد، اما با وجودی که در تواریخ، سن حضرت ابوالفضل (ع) در آن جنگ ۱۲ سال نوشته شده است، اما در اوج نوجوانی یا ورود به جوانی، حضرت مثل یک مرد تمام عیار وارد میدان معركة و جنگ شد. حضرت عباس در جنگ صفین وقتی سپاه ۸۵ هزار نفری معاویه به قصد شکست دادن حضرت امیر (ع) در محلی به نام صفین گرد هم آمدند، معاویه عده ای را مأمور نگهبانی از آب فرات کرد و «ابوالاعور اسلمی» را به این کار گمارد. هنگامی که سپاهیان امام خسته و تشنه به صفین رسیدند، امیرالمؤمنین (ع) عده ای را به فرماندهی «عصعه بن صوحان» و «شبت بن ربیع» برای آوردن آب اعزام نمودند. آنان به همراه تعدادی از سپاهیان، به فرات حمله کردند و آب آوردند. در این یورش امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) نیز شرکت داشتند و مالک اشتر این گروه را هدایت می کرد.

وی افزود: به نوشته برخی تاریخ نویسان معاصر، هنگامی که امام حسین (ع) در روز عاشورا از اجازه دادن به عباس (ع) برای نبرد امتناع می ورزد، او برای تحریص امام حسین (ع) خطاب به امام عرض می کند: «آیا به یاد می آوری آن گاه که در صفین آب را به روی ما بسته بودند، به همراه تو برای آزاد کردن آب تلاش کردم و سرانجام موفق شدیم به آب دست یابیم و در حالی که گرد و غبار صورتم را پوشانیده بود، نزد پدر بازگشتم».

این استاد حوزه در ادامه سخنان خود گفت: قسمت دیگر زندگی حضرت عباس (ع) در زمان امام حسن (ع) است. آن

حضرت در جریان توطئه صلح اجباری که از سوی معاویه به امام مجتبی (ع) تحمیل شد همواره موضعی موافق با امام و برادر معصوم و مظلوم خود داشت. یعنی این گونه نبود که مقابل برادر اعتراض کند که چرا صلح کردی. همیشه همراه بود. پس از بازگشت امام مجتبی (ع) به مدینه حضرت عباس (ع) در کنار امام به دستگیری از نیازمندان پرداخت و هدایای کریمانه برادر خود را میان مردم تقسیم می کرد و در همین زمان بود که لقب باب الحوائج بر ایشان مشهور شد و آن حضرت وسیله ای برای دستگیری و حمایت از محرومین جامعه بود، بنابراین نباید تصور شود که لقب باب الحوائج بعد از شهادت و به دلیل توسل‌اتی که به حضرت می شود و در پی برآورده شدن حاجات به ایشان اطلاق شده است بلکه قبل از کربلا و در زمان برادرش امام حسن (ع) این لقب را داشت.

وی افزود: مسأله دیگری که در این فرصت و در این پرسش مایلیم به آن بپردازیم، مربوط به زمانی است که با دسیسه معاویه، امام حسن (ع) به شهادت می رسد و حتی بدن مسموم آن امام همام تیرباران می شود. در این هنگام کاسه صبر حضرت ابوالفضل العباس (ع) لبریز شده و دست به قبضه شمشیر بود اما با صلاحی که برادر بزرگوارش امام حسین (ع) دیدند، اجازه نداده و فرمودند: باید صبر کرد و برادر را دعوت به صبر فرمود.

استاد مدرسه علمیه معصومیه در ادامه گفت: حال که بحث به اینجا رسید، نقیبی به زندگی و منش حضرت ابوالفضل العباس (ع) در دوران امامت برادر بزرگوارش امام حسن مجتبی (ع) بزنیم. باب الحوائج در زمان امام دوم شیعیان چه رویکردی داشت؟ در مرام حضرت عباس (ع) نکته قابل توجه این است که حتی قبل از کربلا اطاعت محض از امام زمان خود داشت. کما اینکه هنگامه امامت امام حسن (ع)، فرموده امام خود را در مورد پرهیز از مبارزه و ماندن در خانه تا زمان معاویه، قبول کرد و سکوت عالمانه ای را پیش گرفته و با برادر همراه بود، وفاداری حضرت عباس (ع) به تصمیم امام حسن (ع) دقیقاً همان وفاداری بود که ایشان روز عاشورا و در قیام عاشورا نسبت به امام حسین (ع) داشت. راز این نوع وفاداری برگرفته از مکتب علوی و سیره نبوی است، حضرت ابوالفضل (ع) سال‌های تلخ امامت برادر خود امام حسن مجتبی (ع) را دید، آن زمان دورانی بود که بسیاری از یاران باوفای حضرت امیر (ع) از جمله «حجر بن عدی»، «عمرو بن حمق خزاعی» و دیگر یاران به دست معاویه شهید شدند و امام حسن (ع) این تلخی‌ها را دید. وقتی امام حسن (ع) مسموم شد سن حضرت عباس (ع) ۲۴ سال بود.

وی درباره عملکرد پس از شهادت امام مجتبی (ع) گفت: حضرت عباس (ع) در میان جوانان بنی هاشم حضرت ابوالفضل (ع) شکوه و احترام خاصی داشت و این جوانان چون پروانه ای گرد شمع وجود حضرت حلقه زده بودند، ۳۰ نفر از جوانان بنی هاشم همواره آماده جان فشانی برای امام حسین (ع) بودند بعد از آنکه معاویه به درک واصل شد، هنگامی که حاکم مدینه امام حسین (ع) را به دارالاماره دعوت کرد تا پیام یزید برای گرفتن بیعت را به ایشان بدهد، حضرت عباس به همراه این ۳۰ نفر جوان که همیشه همراه حضرت بودند در بیرون از دارالاماره حاضر بودند و ترس از حضور این ۳۰ نفر سبب شد که در آن روز خطری امام حسین (ع) را تهدید نکند.

این کارشناس تاریخ اسلام ادامه داد: حضرت ابوالفضل (ع) همیشه همراه و ملازم امام حسین (ع) بود و از ابتدا با فکر برادر و امام زمانش آشنا و همراه بود و یک لحظه از برادر جدا نشد و به خوبی می دانست که پایان این سفر و همراهی با این کاروان شهادت است و در جریان حرکت امام حسین (ع) از مدینه به مکه و از مکه به سمت کوفه و نهایتاً در کربلا و به شهادت ختم شدن این سفر، مسائلی بود که باب الحوائج از آن اطلاع داشت.

اعلایی نژاد افزود: حضرت عباس (ع) سرپرستی و سپهسالاری کاروان امام حسین (ع) را بر عهده داشت و در واقعه عاشورای سال ۶۱ در کربلا حماسه‌هایی آفرید که تاریخ نظیر آن را ندیده است که در اینجا به چند نمونه اشاره می کنم؛ قمر بنی هاشم در کربلا، کارهای فراوانی کردند از جمله پس زدن امان نامه امویان بود که این بزرگترین درس وفاداری را در جامعه انسانی به نمایش و یادگار گذاشت. توضیح این قسمت به آن است که آوازه دلاورمردی حضرت عباس (ع) در آن زمان به گوش همه رسیده بود و در کربلا نیز دشمنان در پی آن بودند که به هر نحوی حضرت ابوالفضل (ع) را از لشکر امام حسین (ع) جدا کنند، اتفاقی که افتاد این بود که شمر بن ذی الجوشن، فردی به نام «عبدالله بن ابی محل بن حزام» را که از طایفه حضرت ام البنین بود، به نزد عبیدالله بن زیاد فرستاد تا برای حضرت ابوالفضل (ع) و برادرانش به بهانه اینکه از عشیره و قوم یکدیگر هستند امان نامه دریافت کند، شمر ملعون، امان نامه گرفت و به عمر سعد که به عنوان فرمانده لشکر بود نشان داد اما عمر سعد می دانست این تلاش بی ثمری است و شمر را توبیخ کرد چراکه می دانست به هر ترتیب امان نامه را نمی پذیرند، نهایتاً قصه به این جا ختم شد که وقتی شمر امان نامه را به سوی اردوگاه امام حسین (ع) برد و پشت خیمه‌ها فریاد زد که: «عین بنو اختنا؟» حضرت عباس (ع) و برادرانش سکوت کردند، امام حسین (ع) فرمود: جواب این فاسق را بدهید. حضرت عباس (ع) به همراه برادرانش به سمت شمر رفتند و فرمودند: خدا تو را با این امان ات لعنت کند، آیا تو به ما امان می دهی در حالی که فرزند رسول خدا را محاصره کرده و برای کشتن او لحظه شماری می کنی؟ اینجا بود که شمر ناامید شد و فهمید که حضرت ابوالفضل (ع)، یک لحظه از برادر

بزرگوار خود جدا نمی شود. لذا این نمونه و موارد متعدد دیگر گواه بر آن است که حضرت عباس (ع) از همان ابتدا آگاه به این سرانجام در دشت کربلا بود و با عشق و اطاعت از امام خود، حضرت را همراهی کرد.

وی در تبیین ویژگی های آن حضرت در لسان ائمه اطهار اظهار داشت: حضرت ابوالفضل (ع) از محضر چهار معصوم بهره برد. برای امام حسین (ع) به سان حضرت امیر (ع) بود برای پیامبر (ص). در کلام امام علی (ع) به نقل مستندی از کتاب «معالی السبطين» وارد شده است که در آن هنگام که حضرت امیر (ع) در بستر شهادت بودند، حضرت (ع) عباس را طلب کردند و به سینه چسبانیدند و فرمودند: فرزندم! به زودی چشم ام در قیامت به وسیله تو روشن می شود. معلوم می شود که این پیش بینی و پیش گویی حضرت امیر (ع) نسبت به شجاعت حضرت عباس (ع) است که چنین تعبیر می فرماید به این که چشم من در قیامت به وسیله تو روشن می شود. اما حضرت عباس (ع) در نگاه سیدالشهدا (ع) نیز جایگاه ویژه و ممتازی دارد چه آنکه امام حسین (ع) حضرت را این چنین خطاب قرار می دهد: «بنفسی انت» (فدایت شوم). این عبارت دلالت بر عظمت حضرت عباس (ع) دارد، از مسلمات اعتقادات ماست که اما معصوم (ع) سخن بی مورد و گزاف بر زبان نمی آورد. نکته دیگر اینکه وقتی حضرت عباس (ع) از اسب به زمین افتاد و امام حسین (ع) خود را بالای سر برادر رساند، فرمود: «اکنون پشتم شکست و چاره ام کم شد.»، این جمله نشان از جایگاه حضرت برای سیدالشهدا (ع) و نقشی بود که در لشکر امام حسین (ع) ایفا می کرد. عظمت همچنین در کلام امام سجاد (ع) نیز این تعبیر وجود دارد چنانچه می فرماید: «خدا رحمت کند عمویم عباس (ع) را، عمویم نزد خدا در روز قیامت درجه ای دارد که همه شهدا از ابتدای خلقت تا انتها، به آن غبطه می خورند.»

حضرت عباس از معدود امام زادگانی است که یک امام معصوم برایش زیارت صادر کرده است. البته حدود ۱۱ زیارت نامه مختلف از چند امام معصوم (ع) برای حضرت نقل شده اما معروف ترین همان است که امام صادق (ع) نقل فرموده است

وی در این باره افزود: از سوی دیگر در کلام امام صادق (ع) نیز چند نکته وجود دارد، حضرت عباس از معدود امام زادگانی است که یک امام معصوم برایش زیارت صادر کرده است. البته حدود ۱۱ زیارت نامه مختلف از چند امام معصوم (ع) برای حضرت نقل شده اما معروف ترین همان است که امام صادق (ع) نقل فرموده است. بر خلاف آنچه که بعضاً در میان عوام و مردم عادی رایج است که حضرت عباس (ع) به دلیل جانفشانی در دشت کربلا و در محضر امام حسین (ع)، به این جایگاه رفیع رسیده است باید بگوییم که (فقط) این نیست، بلکه به فرمایش امام صادق (ع) این جایگاه به دلیل شناخت و معرفت کامل و یقینی بود که حضرت عباس (ع) نسبت به امام زمان خود یعنی امام حسین (ع) داشت.

وی افزود: اوج شخصیت حضرت عباس (ع) به دلیل بصیرت نافذ حضرت بود، چراکه وقتی امام صادق (ع) می خواهد از عمویش یاد کند، می فرماید: «كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أُبْلَى بَلَاءَ حَسَنًا وَ مَضَى شَهِيدًا» (عموی ما، عباس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود؛ همراه با امام حسین علیه السلام مجاهد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید).

مدیر مدرسه علمیه معصومیه افزود: همچنین امام صادق (ع) در بخش دیگری از این زیارت نامه نسبت به حضرت عباس (ع) این چنین تعبیر می فرماید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْخُسَيْنِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ سَلَّمَ» (سلام بر تو ای بنده شایسته فرمان بر خدا و رسول خدا و امیرمؤمنان و حسن و حسین (درود خدا بر آنان باد)).

وی اظهار داشت: همچنین در بخشی از زیارت ناحیه مقدسه امام هادی (ع) از لسان مبارک آن حضرت در مورد ابوالفضل العباس (ع) آمده است: «سلام بر ابوالفضل العباس، پسر امیرالمؤمنین؛ آنکه با کمال موااسات و ایثار و برادری، جانش را نثار برادرش حسین (ع) کرد؛ آنکه دنیا را وسیله آخرت قرار داد؛ آنکه خود را فداکارانه فدای برادر نمود؛ آنکه نگرهبان دین و سپاه حسین (ع) بود؛ آنکه تلاش بسیار برای آبرسانی به لب تشنگان کرد؛ آنکه دو دستش در راه خدا قطع شد». از سوی دیگر در زیارت نامه منسوب به حضرت ولی عصر (عج) مشهور به زیارت ناحیه می خوانیم: «سلام بر عباس فرزند امیرمؤمنان (ع) که جانش را در راه موااسات با برادرش تقدیم کرد و دنیایش را در راه تحصیل آخرت صرف کرد و جانش را برای حفاظت از برادرش قربانی فرمود».

وی در پایان تصریح کرد: نسبت به توسل به حضرت عباس (ع) و رسیدن به حاجات به وسیله توسل به حضرت مطالب مختلفی وجود دارد. مردم برای رسیدن به حاجات خود نذر حضرت می کنند، حتی اهل سنت، مسیحیان، کلیمیان و اهل کتاب بارها از حضرت حاجت گرفته اند. این جمله معروفی است که در وصف حضرت عباس (ع) وجود دارد: «یا کاشِفَ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِ الْخُسَيْنِ إِكْشِيفْ كُرْبِي يَحَقِّ أَخِيكَ الْخُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (ای کسی که غم ها را از چهره حسین می زدودی، مشکل مرا هم به حق برادرت حل کن.)، این خود مسأله ای مهم است. مردم قسم می خورند به آنکه باب

الحوائج است.